



بی‌شین از محمد کاظم مزینانی، تالارپذیری پایتخت از محمد علی گودینی و سفر کرده از حسین نوش آذر. از داستان های ذکر شده «شاه بی‌شین» و «تالارپذیری» با موضوع انقلاب و بررسی آخرین سال های حکومت پهلوی نوشته شده اند. "قفس" روایتی از اسرای ایرانی در عراق است، «عروس بید» یوسف علیخانی هم مجموعه داستانی اقلیمی است. غالب فضاها این مجموعه داستان در روستای گدر دو توصیفات قوی این نویسنده، می تواند پایه ای قوی برای شناخت مردم غالب روستاهای ایران و سبک زندگی ایشان قرار بگیرد.

رمان «شاه بی‌شین» نوشته محمد کاظم مزینانی اثری است که بر اساس زندگی محمد رضا شاه پهلوی نوشته شده است. داستان این کتاب از بیماری شاه آغاز می شود و سپس بانگاهی به گذشته از کودکی تا لحظه مرگ محمد رضا پهلوی را روایت می کند. شاه بی‌شین به تمام حسرت های شاه نسبت به زندگی، همسر، گذر زمان و بلندپروازی هایش و شکست و نا کامی هایش اشاره دارد.

این اثر در واقع روایتگر لحظات آخر زندگی مردی است که در نظر همگان از همه مواهب زندگی مادی برخوردار بوده، اما وقتی با مرگ تنهایی شود درمی یابد که این مواهب چندان چیز دندان گیری هم نبوده است. محمد رضا سرشار، درباره رمان «تالارپذیری پایتخت» محمد علی گودینی می گوید: رمان با موضوع کارگری نخستین بار در کشور روسیه شکل گرفت و این رمان های بیشتر در زمینه اجتماعی، محیطی و زندگی کارگران بیشتر از مسائل خصوصی و شخصی آنها تمرکز پیدا می کند و اکثر این رمان ها اجتماعی است... کشور ایران پس از صنعتی شدن صنعت نفت به نگارش رمان با موضوع کارگری پرداخت که اکثر آن ها مربوط به خطه جنوب و مناطق نفت خیز بود «تالارپذیری پایتخت» از آن نظر حائز اهمیت است که قهرمان داستان، یک روستایی و همچون خود گودینی یک کارگر است، این رمان دارای نگاهی روشن، انسانی و دینی است و با همین نگاه به جریان های روابط ارباب و رعیتی پرداخته است، نویسنده در رمان «تالارپذیری پایتخت» به موضوع انقلاب و به زمینه های اجتماعی توجه بسیار کرده و همچنین، روابط کارگران و کارفرمایان با روستاییان در این رمان لحاظ شده است. در رمان «تالارپذیری پایتخت» همچنین به ماجرای ۱۵ خرداد، امام راحل و مبارزات آن زمان هم پرداخته شده است.

فاطمه شفیعی نیز در باره رمان تالارپذیری گودینی چنین می نویسد: «با شنیدن کلمه سر بازی رنگ صورتم دگرگون شد. افتادم به یاد سربازهای آبادی که روزهای اول پاییز امنیه ها می آمدند خانه کدخدانیا برای سرباز خبر کردن. باتوپ پر، اسم مشمول هارامی دادند و جواب فوری هم می خواستند»

در سال ۱۳۴۰ رضا شاه در پی طرحی که از طرف کشور آمریکا پیشنهاد و حمایت می شد تصمیم به تقسیم اراضی کشاورزان کرد. زمین هایی که از اربابان گرفته می شد و بین روستاییان کشاورز تقسیم می شد. این طرح به «انقلاب سفید» معروف است. انقلابی که قرار بود برای جلوگیری از گسترش و رشد نظام کمونیستی و جامعه سوسیالیستی کشاورزان را از قیدار باانشان بیرون بکشند و به استقلال مالی برسانند. اما این در ابتدا نیز با مخالفت علمای دین از جمله آیت... برخوردی رو به رو شد. روستاییان که در ابتدا شیرینی مالک شدن به دهانشان مزه کرده بود اما به مرور درگیری ها آغاز شد و نتوانستند با هم کنار بیایند. از طرفی آواز همدردی و

کارخانه هایی که کم داشت رشد می کرد باعث شد روستاییان زمین های کوچک خود را به قیمت پایینی به همان اربابان فروختند و با پول اندکی که در دست داشتند راهی پایتخت شدند.

از آن جایی که محمد علی گودینی خود متولد ۱۳۳۵ است دوران کودکی و نوجوانی اش در میانه بحران ها و مسائل طرح انقلاب سفید بوده و خود شاهد مستقیم اتفاقات آن روزگار است توصیف وقایع را در این رمان زنده تر و ملموس تر نشان می دهد.

نویسنده در گوشه گوشه رمان، هر جالازم بوده نقبی هم به اوضاع انقلاب و مواضع امام خمینی (ره) زده است. منظور از تالارپذیری پایتخت مصیبت هایی است که روستاییان با ورودشان به پایتخت رویایی خود تجربه می کنند. در عین حال به تالارپذیری اشاره دارد به نام «پایتخت» که قرار است عروسی براتعلی در آن انجام شود. با اتفاقاتی که شب عروسی رخ می دهد غلامعلی می گوید: «عجب پایتختی! عجب تالارپذیری پایتختی!... کاش هرگز به پایتخت مملکت نیامده بودیم».

این تمام نتیجه گیری داستان است که از زبان غلامعلی می شنویم. تالارپذیری پایتخت در جشنواره داستان انقلاب به عنوان رمانی با موضوع انقلاب قابل تقدیر شناخته شد. گرچه موضوع اصلی آن انقلاب اسلامی نیست. همچنین در جایزه جلال آل احمد از آن تقدیر شده است. این رمان که به سبک رئالیسم نوشته شده است به شرح جزئیات بسیار می پردازد. زبان گفت و گو ها بومی و بالهجه است که بسیاری از لغات و اصطلاحات بومی در آن استفاده شده است. لغات و اصطلاحات بومی به کار برده شده در پاورقی هر صفحه توضیح داده شده که به خواننده غیر آشنا کمک می کند درگیر لغت نشود و مفهوم را دریافت کند.

این رمان جلد اول از یک سه گانه است. گودینی به تازگی نگارش جلد دوم این سه گانه را با نام «زنی با کفش های مردانه» به پایان رسانده است. این رمان به وقایع انقلاب و تشکیل گروه های چریکی قبل از انقلاب می پردازد. «باهمه این ها می دانستم به خودم دروغ می گویم و بدجوری پای بند پایتخت مملکت شده ام. چون هنوز بعد از گذشت چند روز گاهی نیم رخ کتی می آمد جلونظم. کار از نحوست هم گذشته بود. حتم داشتم خانه مادر آن مدت بی صاحب ماندن توی آبادی حالا خرابه شده است. بامش آواز شده و رمبیده روی دیوارهای شکسته اش».

فصل پنجم: سکوت، نوشته محمد رضا بایرامی نیز آن گونه که نویسنده می گوید داستانی است در گونه انقلاب داستان این رمان نوجوانان در سال ۱۳۵۶ رخ می دهد و روایت زندگی نوجوانی است به نام مرتضی که زندگی عاطل و باطلی دارد و در یک مرحله پرت جنوب شهر تهران (در محله علی آباد) زندگی می کند. قصه از این جاشروع می شود که یک خانواده مبارز مذهبی وارد این محله می شوند و رفته رفته ارتباطی میان این نوجوان و خانواده به وجود می آید. مرتضی عاشق فرشته، دختر محبه این خانواده می شود. مرتضی در تابستان ها که فصل تعطیلی مدارس است دست فروشی می کند، بیخ دیواری بازی می کند و لی ورود خانواده فرشته نظم زندگی او را به هم می زند، پدر فرشته بارزیم شاه در حال مبارزه است و سادگی مرتضی باعث لورفتن محل زندگی خانواده فرشته می شود. نقطه کشش داستان در گذشته شدن پدر این خانواده در جریان یک درگیری با ماموران ساواک رخ می دهد مرتضی به نوعی حس می کند که در رخ دادن این حادثه قصوری کرده است و لذا سعی